

The Role of International Regimes in Managing Environmental Crises in West Asia

Reza Junaidi¹, Davud Kiani^{2*}, Nafiseh Sadat Ghaderi³

Received: 2025/02/11
Accepted: 2025/03/09

Research Article

Abstract

International regimes, within the theoretical framework of neoliberal institutionalism, play a key role in managing environmental crises, because this approach emphasizes international cooperation and the creation of transnational institutions to solve global challenges. In the West Asian region, which is facing crises such as water scarcity, air pollution, and climate change, examining the role of these regimes seems essential. This study examines the dimensions and effectiveness of these regimes by asking the question, "What role do international regimes play in managing environmental crises in West Asia?" The main hypothesis of the study states that international regimes have played an effective role in reducing and managing environmental crises in West Asia by creating regional and international cooperation frameworks, but this role has been limited due to the political, economic, and cultural reasons of the region. The research findings show that these regimes have been somewhat successful in raising public awareness and attracting transnational cooperation, but the lack of political integration in the region and the conflicting interests of governments have prevented them from fully realizing their goals. The research conclusion suggests that strengthening the role of international regimes in managing environmental crises in West Asia requires more active participation of regional countries, increased commitment to environmental treaties, and the creation of more coordinated structures to deal with environmental challenges, which can lead to improved environmental quality and sustainable development in the region.

Keywords: Environmental crises, Global governance, International regimes, Neoliberal institutionalism, West Asia

Junaidi, R., Kiani, D., & Ghaderi, N. S. (2025). The Role of International Regimes in Managing Environmental Crises in West Asia. *Journal of Political and International Research*, 17(62), pp.47-62.

¹ Department of International Relations, Law, Theology and Political Science, S. & R. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. rjoneidi@gmail.com

² Department of Political Science and International Relations, Law, Theology and Political Science, S. & R. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) dv.kiani@gmail.com

³ Department of Political Science and International Relations, Law, Theology and Political Science, S. & R. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. ghaderinafise@yahoo.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقش رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا

رضا جنیدی^۱، داود کیانی^۲، نفیسه السادات قادری^۳

مهمم پپو ههه	نترخ نییأ م: ۰۰۰۳/۱۱/۳۳ پیپهش: ۰۰۰. /e۲/۱۹
--------------	---

چکیده

رژیم‌های بین‌المللی، در چارچوب نظری نهادگرایی نو لیبرال، نقش کلیدی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی ایفا می‌کنند، زیرا این رویکرد بر همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد نهادهای فراملی برای حل چالش‌های جهانی تأکید دارد. در منطقه غرب آسیا، که با بحران‌هایی نظیر کمبود منابع آب، آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی مواجه است، بررسی نقش این رژیم‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با طرح این سؤال که «رژیم‌های بین‌المللی چه نقشی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا ایفا می‌کنند؟» به بررسی ابعاد و تأثیرگذاری این رژیم‌ها پرداخته است. فرضیه اصلی تحقیق بیان می‌دارد که رژیم‌های بین‌المللی، از طریق ایجاد چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، در کاهش و مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی غرب آسیا نقش مؤثری داشته‌اند، اما این نقش به دلایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه محدود بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این رژیم‌ها توانسته‌اند تا حدی در افزایش آگاهی عمومی و جلب همکاری‌های فراملی موفق عمل کنند، اما نبود یکپارچگی سیاسی در منطقه و منافع متضاد دولت‌ها مانع از تحقق کامل اهداف آن‌ها شده است. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که تقویت نقش رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی غرب آسیا مستلزم مشارکت فعال‌تر کشورهای منطقه، افزایش تعهد به معاهدات زیست‌محیطی و ایجاد ساختارهای هماهنگ‌تر برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی است که می‌تواند به بهبود کیفیت محیط‌زیست و پایداری توسعه در منطقه منجر شود.

کلمات کلیدی: رژیم‌های بین‌المللی، بحران‌های زیست‌محیطی، نهادگرایی نو لیبرال، غرب آسیا، حکمرانی جهانی

جنیدی، رضا، کیانی، داود، قادری؛ نفیسه السادات (۱۴۰۴). نقش رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۶۲، صفحات ۶۲-۴۷.

^۱ دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rjoneidi@gmail.com

^۲ دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) dv.kiani@gmail.com

^۳ دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ghaderinafise@yahoo.com

مقدمه

بحران‌های زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع بشری تبدیل شده‌اند و منطقه غرب آسیا نیز به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، اقلیمی و اقتصادی از این قاعده مستثنا نیست. کاهش منابع آب، بیابان‌زایی، آلودگی هوا و پیامدهای تغییرات اقلیمی، تهدیدات جدی برای امنیت زیست‌محیطی و اقتصادی کشورهای این منطقه ایجاد کرده‌اند. باوجود تلاش‌های ملی و منطقه‌ای، مدیریت این بحران‌ها به دلیل پیچیدگی مسائل زیست‌محیطی و تعامل متقابل آن‌ها با موضوعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همچنان ناکافی است. این امر نشان‌دهنده شکاف در مدیریت منطقه‌ای و نیاز به ایجاد سازوکارهای بین‌المللی و همکاری گسترده میان کشورهای منطقه و نهادهای بین‌المللی است. تغییرات اقلیمی، آلودگی و از دست دادن تنوع زیستی مفاهیمی انتزاعی نیستند، بلکه تهدیدی ملموس برای زندگی روزمره و آرزوهای افرادی هستند که فقر را تجربه می‌کنند و در نتیجه حقوق بشر آن‌ها را نقض می‌کنند.

حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، پاک و پایدار، حق زندگی هر فرد، حق دسترسی به آب، حق برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر جامعه، اجزای جدایی‌ناپذیر دیدگاه حقوق بشری هستند که باید در تاروپود سیاست‌های جهانی محیط‌زیست یافت شود. مقابله با تغییرات آب و هوایی، آلودگی و زباله، و از دست دادن طبیعت و تنوع زیستی با مشارکت افراد فقیر افرادی که در فقر مداوم زندگی می‌کنند اولین کسانی هستند که تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی، آلودگی و از دست دادن تنوع زیستی قرار می‌گیرند و تنها آن‌ها می‌توانند تجربیات و نیازهای خود را شرح دهند. ورودی سیستماتیک افرادی که در فقر زندگی می‌کنند برای طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌های عمومی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد ضروری است. مشارکت آن‌ها هم برای اصلاح ابتکاراتی که ممکن است بی‌اثر باشند و هم برای انعکاس باهم در مورد اقدامات جدید و مناسب بسیار مهم است. دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی باید با مردم و جوامعی که بیشترین تأثیر را از مسائل زیست‌محیطی دارند، تماس بگیرند و آن‌ها را به‌عنوان شریک درگیر کنند. این تضمین می‌کند که اقدامات انجام‌شده برای رسیدگی به این بحران فراگیر هستند.

یکی از نظریه‌های اساسی که می‌تواند در تحلیل نقش رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی مورد استفاده قرار گیرد، نظریه نهادگرایی نو لیبرال است. این نظریه تأکید دارد که همکاری‌های بین‌المللی، از طریق ایجاد نهادها و رژیم‌های چندجانبه، می‌توانند چالش‌های مشترک جهانی، از جمله بحران‌های زیست‌محیطی، را مدیریت کنند. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های جامعی که پیوند میان نظریه نهادگرایی نو لیبرال و مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا را موردبررسی قرار دهند، به‌طور خاص انجام نشده است. این پژوهش با طرح سؤال اصلی «رژیم‌های بین‌المللی چه نقشی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا ایفا می‌کنند؟» تلاش دارد به این شکاف پژوهشی پاسخ دهد. فرضیه اصلی پژوهش این است که «رژیم‌های بین‌المللی، از طریق تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و ارائه چارچوب‌های مشترک برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی، توانسته‌اند نقش مؤثری در مدیریت این بحران‌ها ایفا کنند، اما عواملی مانند منافع متضاد دولت‌ها و محدودیت‌های ساختاری منطقه‌ای، میزان تأثیرگذاری آن‌ها را کاهش داده است». سازماندهی این پژوهش به این صورت است که ابتدا در بخش نخست، چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه نهادگرایی نو لیبرال ارائه می‌شود. سپس در بخش دوم، وضعیت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا و نقش رژیم‌های بین‌المللی در این زمینه بررسی خواهد شد. بخش سوم به تحلیل یافته‌های تحقیق و ارزیابی نقش این رژیم‌ها می‌پردازد و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای تقویت مدیریت بین‌المللی بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا ارائه خواهد شد.

۱-پیشینه و ادبیات موجود

در خصوص نقش رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا، کتب و مقالاتی نگاشته شده است. از میان آثار مکتوب می‌توان به کتب، داخلی و خارجی و همچنین مقالات داخلی و خارجی اشاره داشت که می‌تواند نقش بسزایی را در پیشبرد این پژوهش داشته و کمک شایانی را در جهت تحقق استدلال‌های محققان ارائه دهد.

از جمله کتب خارجی می‌توان به کتاب «پس از هژمونی: همکاری و اختلاف در اقتصاد سیاسی جهان» نوشته کوهن^۱ (۱۹۸۴) اشاره کرد. در این کتاب یکی از آثار کلیدی در زمینه نظریه نهادگرایی نو لیبرال است. نویسنده در این کتاب استدلال می‌کند که باوجود آنارشی در نظام بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی می‌توانند با فراهم آوردن چارچوب‌هایی برای همکاری، کاهش هزینه‌های تعامل و ایجاد شفافیت، همکاری‌های بین‌دولتی را تسهیل کنند. این نظریه در زمینه بحران‌های زیست‌محیطی و چالش‌های فراملی در غرب آسیا قابل استفاده است، چراکه مشکلات محیط‌زیستی در این منطقه نیازمند همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هستند.

از دیگر آثار خارجی کتاب «قدرت و وابستگی متقابل» نوشته نویسندگان کوهن و نیه^۲ (۲۰۰۱) اشاره کرد. در این اثر نویسندگان به تحلیل روابط بین‌المللی در دوران جهانی‌شدن می‌پردازد و مفهومی به نام «وابستگی متقابل» را معرفی می‌کند که در آن اقدامات یک کشور می‌تواند بر دیگر کشورها تأثیر بگذارد. در این کتاب، کوهن و نیه به چگونگی همکاری در بحران‌های جهانی (مانند بحران‌های زیست‌محیطی) پرداخته‌اند و اهمیت نهادهای بین‌المللی را برای مدیریت بحران‌های فرامرزی بررسی کرده‌اند. این اثر به‌ویژه در زمینه بحران‌های آب و تغییرات اقلیمی در غرب آسیا مرتبط است.

از جمله آثار در زمینه حقوق بین‌المللی زیست‌محیطی کتاب «هنر و صنعت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» به قلم بودانسکی^۳ (۲۰۱۰) است. در این کتاب به تحلیل و بررسی ابزارهای حقوقی و نهادهای بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست می‌پردازد. بودانسکی در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه رژیم‌های زیست‌محیطی می‌توانند به کشورها کمک کنند تا بحران‌های زیست‌محیطی را از طریق همکاری‌های بین‌المللی و توافقات قانونی مدیریت کنند. این منبع برای درک بهتر نحوه عملکرد رژیم‌های زیست‌محیطی و تأثیر آن‌ها بر بحران‌های منطقه‌ای و جهانی مفید است.

از جمله مقالات خارجی در این حوزه می‌توان به مقاله «تضاد آب و همکاری در خاورمیانه: مطالعه موردی حوضه دجله-فرات» نوشته ظواهری^۴ (۲۰۰۸) اشاره کرد. در این مقاله نویسنده به بررسی بحران‌های آب در منطقه غرب آسیا می‌پردازد و به‌ویژه مشکلات ناشی از مدیریت مشترک منابع آبی رودخانه‌های دجله و فرات را تحلیل می‌کند. ظواهری به بررسی چالش‌های سیاسی و اقتصادی که مانع از همکاری میان کشورهای منطقه در مدیریت منابع آب می‌شود، پرداخته و همچنین راه‌حل‌های ممکن برای حل این مشکلات را مورد بحث قرار داده است. این مقاله برای مطالعه وضعیت کنونی منابع آبی در غرب آسیا و چالش‌های فرامرزی مرتبط با آن مفید است. در ادامه به معرفی منابع فارسی مرتبط با بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا و نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت این بحران‌ها پرداخته شده است.

کتاب «تحلیل بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا: چالش‌ها و راهکارها» به قلم احمدی (۲۰۱۵) است. در این کتاب به بررسی بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا، مانند کمبود منابع آبی، آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی، پرداخته و نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت این بحران‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهد. نویسنده بر اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای و فراملی برای مقابله با این چالش‌ها تأکید کرده و به بررسی نهادهای بین‌المللی فعال در این زمینه می‌پردازد.

کتاب رژیم‌های زیست‌محیطی و چالش‌های مدیریت منابع آبی در غرب آسیا به قلم عزیزی (۲۰۲۰) است. در این اثر نویسنده به تحلیل بحران‌های منابع آبی در غرب آسیا، به‌ویژه در کشورهای دارای منابع مشترک آب نظیر ایران، عراق و ترکیه

¹ Keohane

² Keohane & Nye

³ Bodansky

⁴ Zawahri

می‌پردازد. نویسنده با استفاده از تحلیل‌های حقوقی و سیاسی، نقش رژیم‌های بین‌المللی در حل بحران‌ها و جلوگیری از تنش‌های آب محور در منطقه را بررسی کرده است.

مقاله نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه به قلم نویسندگان عسگری و کریمی (۲۰۱۷) است. در این مقاله نویسندگان به بررسی تأثیر نهادهای بین‌المللی در حل بحران‌های زیست‌محیطی در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه بحران‌های آب و تغییرات اقلیمی، پرداخته است. نویسندگان با استفاده از نظریه نهادگرایی نو لیبرال، نقش سازمان‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی در تسهیل همکاری میان دولت‌های منطقه‌ای را تحلیل کرده‌اند.

مقاله حاضر با تمرکز بر نقش رژیم‌های بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی غرب آسیا از منظر نهادگرایی نو لیبرال، به‌ویژه در شرایط جدید ژئوپلیتیکی، اقتصادی و زیست‌محیطی، به‌طور متمایز از منابع موجود به بررسی این موضوع پرداخته است. درحالی‌که بسیاری از مطالعات پیشین به تحلیل کلی بحران‌های زیست‌محیطی در این منطقه پرداخته‌اند، مقاله حاضر با بهره‌گیری از داده‌های جدید، رویکردهای تحلیلی نوین و تحلیل تطبیقی میان نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌طور خاص به تأثیر نهادهای فراملی و همکاری‌های چندجانبه در مدیریت این بحران‌ها توجه کرده است. به‌علاوه، مقاله به‌ویژه به بحران‌های نوظهور و چالش‌های فرامرزی جدید مانند تغییرات اقلیمی و تنش‌های سیاسی اخیر پرداخته که در بسیاری از مطالعات پیشین کمتر موردتوجه قرار گرفته است. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که مقاله حاضر به‌عنوان یک کار جدید و بروز در این زمینه شناخته شود.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- نهادگرایی نو لیبرال^۱

نهادگرایی نو لیبرال یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در حوزه روابط بین‌الملل است که در دهه ۱۹۸۰ با کارهای رابرت کیوهان^۲ و دیگر اندیشمندان این حوزه برجسته شد. این نظریه به‌طور خاص بر نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی در تسهیل همکاری میان دولت‌ها، کاهش هزینه‌های تعامل، و حل مسائل جمعی در نظام بین‌المللی تأکید دارد (Keohane, 1984: 7). بر اساس این نظریه، هرچند نظام بین‌المللی همچنان در حالت آنارشی قرار دارد و دولت‌ها به دنبال منافع ملی خود هستند، نهادهای بین‌المللی می‌توانند چارچوبی برای همکاری پایدار ایجاد کنند. در عصر جهانی‌شدن، بحران‌های زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی اقیانوس‌ها، و کمبود منابع آب به‌صورت فرامرزی عمل می‌کنند و پیامدهای آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تمامی دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. وابستگی متقابل به این معناست که اقدامات یک کشور بر سایر کشورها اثر می‌گذارد و بنابراین همکاری چندجانبه برای حل این چالش‌ها ضروری است (Keohane & Nye, 2001: 25). در این میان، نهادهای بین‌المللی با ایجاد قواعد و هنجارهای مشترک می‌توانند این همکاری را تسهیل کنند. بر اساس این نظریه، نهادهای بین‌المللی از طریق کاهش هزینه‌های مذاکره، بهبود شفافیت اطلاعات، و ایجاد اعتماد میان دولت‌ها، همکاری‌های پایدار را تسهیل می‌کنند (Axelrod & Keohane, 1985: 233-235). این نهادها همچنین با اعمال مکانیزم‌های نظارتی و ضمانت اجرا، از تخلف کشورهای عضو جلوگیری می‌کنند. نمونه‌هایی مانند سازمان ملل^۳، سازمان جهانی محیط‌زیست^۴ و توافق‌نامه‌های چندجانبه نظیر پروتکل کیوتو^۵ و توافق پاریس^۶، نشان‌دهنده موفقیت نهادها در این حوزه هستند (Bodansky, 2010: 6).

رژیم‌های بین‌المللی، که به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد، هنجارها و رویه‌های مشترک برای تنظیم رفتار دولت‌ها در حوزه‌های خاص مانند محیط‌زیست تعریف می‌شوند (Young, 1989: 27)، از طریق ایجاد تعهدات جمعی و فراهم کردن چارچوبی

¹ Neoliberal institutionalism

² Robert Keohane

³ United Nations

⁴ World Environment Organization

⁵ Kyoto Protocol

⁶ Paris Agreement

برای گفت‌وگو و همکاری، به مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی جهانی و منطقه‌ای کمک می‌کنند. بحران‌های زیست‌محیطی از مهم‌ترین چالش‌های معاصر هستند که حل آن‌ها مستلزم همکاری فراملی و مشارکت فعال دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی است. از دیدگاه نهادگرایی نولیبرال، این بحران‌ها تنها از طریق نهادسازی و رژیم‌سازی بین‌المللی قابل مدیریت هستند. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه، هزینه‌های بالای همکاری و اختلافات منافع میان دولت‌ها است که نهادهای بین‌المللی می‌توانند با کاهش این هزینه‌ها، زمینه مدیریت مؤثر این چالش‌ها را فراهم کنند. برای مثال، صندوق سبز اقلیمی به‌عنوان یک ابزار مالی بین‌المللی، منابع لازم را برای کشورهای درحال توسعه فراهم کرده و امکان اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی را تسهیل می‌کند (UNEP, 2018: 10). همچنین، نهادهایی مانند هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC) از طریق انتشار گزارش‌های علمی معتبر، اطلاعات لازم را در اختیار کشورها قرار داده و از انکار علمی بحران‌های زیست‌محیطی جلوگیری می‌کنند (IPCC, 2022: 15).

منطقه غرب آسیا با چالش‌های زیست‌محیطی متعددی همچون کمبود منابع آب، طوفان‌های شن و گردوغبار و آلودگی هوا مواجه است. با این حال، ساختار رژیم‌های زیست‌محیطی در این منطقه همچنان دچار ضعف‌های اساسی است. یکی از مشکلات اصلی، نبود نهادهای منطقه‌ای قوی برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی است. کنوانسیون تهران برای مقابله با طوفان‌های شن و گردوغبار نمونه‌ای از تلاش‌های منطقه‌ای است که به دلیل کمبود منابع مالی و عدم تعهد دولت‌های عضو، موفقیت محدودی داشته است (UNEP, 2018: 13). همچنین، منازعات سیاسی بین کشورهای منطقه، نظیر اختلافات ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس یا مسائل مربوط به رژیم حقوقی دجله و فرات میان ترکیه و کشورهای پایین‌دست، همکاری زیست‌محیطی را با چالش مواجه کرده است (Zawahri, 2008: 356). در چنین شرایطی، نظریه نهادگرایی نولیبرال تأکید دارد که دولت‌ها با ایجاد نهادهای فراملی و امضای توافق‌نامه‌های زیست‌محیطی می‌توانند منافع جمعی را بر منافع ملی ترجیح دهند و با اتخاذ سیاست‌های مشترک، از اثرات مخرب بحران‌های زیست‌محیطی بکاهند.

این رویکرد نه تنها انتقال دانش و فناوری‌های سبز میان کشورهای منطقه را تسهیل می‌کند، بلکه امکان تقویت اعتماد متقابل و کاهش تنش‌های سیاسی را نیز فراهم می‌آورد. برای مثال، اگر کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایران بتوانند بر سر یک سازوکار منطقه‌ای برای مدیریت منابع آب مشترک توافق کنند، این همکاری می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق تعامل فراملی عمل کند. همچنین، سازمان ملل و اتحادیه‌های منطقه‌ای می‌توانند به‌عنوان میانجی برای حل اختلافات زیست‌محیطی عمل کرده و کشورها را به ایجاد ساختارهای پایدار و هماهنگ برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی سوق دهند. در نتیجه، این نظریه می‌تواند مبنای مناسبی برای تبیین راهکارهای عملی در جهت بهبود مدیریت محیط‌زیست در غرب آسیا باشد. نهادگرایی نولیبرال با تأکید بر نقش نهادهای بین‌المللی و رژیم‌های همکاری، نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای بین‌المللی می‌توانند همکاری‌های زیست‌محیطی را تسهیل کنند. در زمینه مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی غرب آسیا، این نظریه بر ضرورت ایجاد سازوکارهای نهادی پایدار، توافق‌های چندجانبه منطقه‌ای و مشارکت دولت‌ها در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی تأکید دارد. بر این اساس، راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش، مبتنی بر اصول نهادگرایی نولیبرال، پیشنهادهایی برای تقویت رژیم‌های زیست‌محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی جهت مقابله با بحران‌های محیط‌زیستی غرب آسیا ارائه خواهند کرد.

۲-۲- وضعیت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا

منطقه غرب آسیا به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی با بحران‌های زیست‌محیطی عمیقی مواجه است. بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا شامل مواردی چون؛ کمبود منابع آبی، بیابان‌زایی و تخریب زمین، آلودگی هوا، تغییرات اقلیمی، آلودگی منابع آبی، کاهش تنوع زیستی، آلودگی نفتی و مدیریت ضعیف پسماند است. این بحران‌ها تهدیدی جدی برای پایداری محیط زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی منطقه محسوب می‌شوند.

بحران آب؛ مصرف ناپایدار منابع آبی دلیل اصلی کمبود منابع آبی و یکی از اصلی‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی منطقه غرب آسیا است. این بحران به دلیل رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی، و مصرف ناپایدار منابع آبی شدت یافته است. بر اساس گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (۲۰۱۸)، بیش از ۸۵ درصد از منابع آب تجدید پذیر منطقه مصرف‌شده است (همان، ۱۵). کشورهای ایران، عراق و عربستان سعودی با بهره‌برداری بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، افت شدید سطح آبخوان‌ها را تجربه کرده‌اند. این مسئله تأثیرات مخربی بر کشاورزی، صنایع و تأمین آب شرب داشته است. منازعات بر سر منابع آب مشترک و مدیریت ناپایدار رودخانه‌های فرامرزی مانند دجله، فرات و اردن باعث ایجاد تنش‌های منطقه‌ای شده است. نبود توافقات جامع و الزام‌آور بین کشورهای همسایه بر سر منابع آبی مشترک، همکاری‌های منطقه‌ای را محدود کرده است. برای مثال، سدسازی‌های ترکیه در طرح گپ (GAP) میزان جریان آب به عراق و سوریه را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده است (Zawahri, 2008:356). از پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی این بحران می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر امنیت غذایی، مهاجرت، و تنش‌های اجتماعی داشته است. کاهش تولیدات کشاورزی ناشی از کم‌آبی، به افزایش قیمت مواد غذایی و فقر دامن زده و مهاجرت روستاییان به شهرها را تشدید کرده است.

آلودگی منابع آبی؛ یکی از بحران‌های زیست‌محیطی مهم در منطقه غرب آسیا است که تأثیرات منفی گسترده‌ای بر سلامت انسان‌ها، اکوسیستم‌ها و توسعه اقتصادی دارد. این منطقه با چالش‌های متعددی در زمینه مدیریت منابع آب مواجه است که آلودگی آب‌ها از جمله مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. عوامل متعددی در آلودگی منابع آبی غرب آسیا نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تخلیه فاضلاب‌های شهری و صنعتی؛ عدم تصفیه مناسب فاضلاب‌ها و رهاسازی آن‌ها در منابع آبی منجر به افزایش آلاینده‌های شیمیایی و میکروبی در آب‌ها می‌شود. کشاورزی ناپایدار؛ استفاده بی‌رویه از کودها و سموم شیمیایی در کشاورزی باعث نفوذ این مواد به منابع آب زیرزمینی و سطحی می‌گردد. ریزش نفت و مشتقات آن؛ به دلیل فعالیت‌های نفتی گسترده در منطقه، نشت نفت و مشتقات آن به آب‌ها یکی از منابع اصلی آلودگی محسوب می‌شود (معدنی، ۱۳۹۵). مدیریت نادرست پسماندها؛ دفع غیر اصولی زباله‌ها و پسماندهای صنعتی و خانگی می‌تواند به آلودگی منابع آبی منجر شود. آلودگی منابع آبی در غرب آسیا پیامدهای متعددی به همراه دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی چون؛ تهدید سلامت عمومی؛ مصرف آب آلوده می‌تواند منجر به شیوع بیماری‌های مختلفی مانند وبا، هپاتیت و سایر بیماری‌های گوارشی شود. تخریب اکوسیستم‌های آبی؛ آلودگی آب‌ها باعث کاهش تنوع زیستی و تخریب زیستگاه‌های آبی می‌شود (دهکردی، ۱۴۰۰). کاهش منابع آب قابل استفاده؛ آلودگی منابع آبی منجر به کاهش دسترسی به آب شیرین برای مصارف شرب، کشاورزی و صنعتی می‌گردد. برای مقابله با آلودگی منابع آبی در غرب آسیا، با انجام اقداماتی مانند ایجاد و بهبود تأسیسات تصفیه فاضلاب‌های شهری و صنعتی به منظور کاهش ورود آلاینده‌ها به منابع آبی، استفاده بهینه و کنترل‌شده از کودها و سموم شیمیایی و ترویج کشاورزی ارگانیک، ایجاد سیستم‌های پایش کیفیت آب و نظارت بر منابع آبی به منظور شناسایی و کنترل منابع آلودگی، ترویج فرهنگ حفاظت از منابع آبی و افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت جلوگیری از آلودگی آب‌ها می‌توان این بحران را مدیریت کرد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۹).

بیابان‌زایی و تخریب زمین؛ از بحران‌های مهم زیست‌محیطی در منطقه غرب آسیا به شمار می‌روند. این پدیده که در اثر ترکیب عوامل طبیعی و انسانی رخ می‌دهد، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترده‌ای به همراه دارد. بیابان‌زایی عمدتاً ناشی از کاهش پوشش گیاهی، فرسایش خاک، برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های انسانی نظیر کشاورزی ناپایدار و چرای بیش از حد دام است. افزایش دمای جهانی و کاهش میزان بارندگی نیز از جمله عوامل تشدیدکننده این بحران محسوب می‌شوند (فتحی، ۱۳۹۸، ص. ۵۷). بیابان‌زایی در غرب آسیا منجر به کاهش زمین‌های قابل کشت، افت کیفیت منابع آبی، تخریب زیستگاه‌های طبیعی، افزایش طوفان‌های گرد و غبار و مهاجرت جوامع روستایی شده است. این روند باعث افزایش فقر و بیکاری در مناطق تحت تأثیر شده و امنیت غذایی منطقه را تهدید می‌کند (سجادی و

همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۸۳). برای کاهش اثرات بیابان‌زایی، اقدامات مختلفی مانند مدیریت پایدار منابع طبیعی، اصلاح الگوی کشت، استفاده از روش‌های نوین آبیاری و احیای جنگل‌ها و مراتع پیشنهاد شده است. همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌ویژه میان کشورهای حوزه خلیج فارس و غرب آسیا، می‌تواند نقش مهمی در مهار این بحران ایفا کند (رحمانی، ۱۳۹۷، ص. ۹۱).

آلودگی هوا؛ آلودگی هوا به‌ویژه در شهرهای بزرگ غرب آسیا از بحران‌های جدی به شمار می‌رود. افزایش استفاده از سوخت‌های فسیلی، توسعه صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی، و انتشار گازهای گلخانه‌ای از دلایل اصلی آلودگی هوا در این منطقه هستند. به‌طور مثال، شهر تهران یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شود که به دلیل استفاده گسترده از خودروهای قدیمی و حمل‌ونقل عمومی ناکارآمد، آلودگی شدیدی را تجربه می‌کند (World Bank, 2016:33). وجود طوفان‌های گردوغبار و بیابان‌زایی و خشک شدن تالاب‌هایی نظیر هورالعظیم و دریاچه ارومیه، وقوع طوفان‌های گردوغبار در منطقه را افزایش داده است (UNEP, 2018:18). این طوفان‌ها نه تنها کیفیت هوا را کاهش داده، بلکه باعث افزایش بیماری‌های تنفسی و قلبی در میان جمعیت‌های آسیب‌پذیر شده‌اند. از دیگر عوامل پدیدار گشتن بحران آلودگی هوا می‌توان بدان اشاره داشت بیابان‌زایی و تخریب اراضی در غرب آسیا است. چرای بیش‌ازحد دام و بهره‌برداری غیرمسئولانه از زمین‌های کشاورزی دلیلی بر از بین رفتن پوشش گیاهی و فرسایش خاک شده است (UNCCD, 2017:22). همچنین سدسازی‌های بی‌رویه در کشورهای ایران و ترکیه، جریان طبیعی رودخانه‌ها را مختل کرده و باعث خشک شدن تالاب‌ها و گسترش بیابان‌ها شده است. خشک شدن تالاب گاوخونی و هورالعظیم نمونه‌هایی از این تأثیرات مخرب هستند. از پیامدها بیابان‌زایی کاهش اراضی کشاورزی، مهاجرت گسترده جمعیت روستایی، و افزایش فقر است. این مسائل فشار زیادی بر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه وارد کرده است.

هزینه آلودگی هوا؛ تقویت زمینه اقتصادی برای اقدام، مطالعه مشترک بانک جهانی و موسسه سنجش و ارزیابی سلامت، به دنبال برآورد هزینه‌های مرگ‌های زودرس مربوط به آلودگی هوا، برای تسهیل تصمیم‌گیری در زمینه منابع کمیاب در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر در کشورهای شرق آسیا و خاورمیانه به دلیل بیماری‌های مرتبط با آلودگی هوا بیرون خانه خود را از دست دادند که باعث رنج انسان و کاهش توسعه اقتصادی شده است. مصر و ایران هم از نظر تعداد تخمینی تلفات و هم از نظر هزینه‌های اقتصادی، جزو کشورهایی هستند که بیشترین آسیب را دیده‌اند. درحالی‌که مرگ‌ومیر ناشی از آلودگی عمدتاً به کودکان خردسال و افراد مسن رخ می‌دهد، مرگ‌های زودرس نیز منجر به از دست رفتن درآمد نیروی کار برای مردان و زنان در سن کار می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد که از دست دادن درآمد سالانه نیروی کار در شرق آسیا و خاورمیانه در سال ۲۰۱۳ بیش از ۹ میلیارد دلار بوده است. هنگامی‌که به تلفات در تمام گروه‌های سنی از دریچه «خسارت رفاه» نگاه می‌کنیم، رویکردی که معمولاً برای ارزیابی هزینه‌ها و هزینه‌ها استفاده می‌شود. از مزایای مقررات زیست‌محیطی در یک کشور خاص، هزینه کل مرگ‌ومیرهای زودرس ناشی از آلودگی هوا بیش از ۵ تریلیون دلار در سراسر جهان در سال ۲۰۱۳ بوده است. خسارات رفاهی ناشی از آلودگی هوا در خاورمیانه و شرق آسیا حدود ۱۵۴ میلیارد دلار یا معادل حدود ۲.۲ درصد تولید ناخالص داخلی منطقه است. «آلودگی هوا چالشی است که رفاه اولیه انسان را تهدید می‌کند، به سرمایه‌های طبیعی و فیزیکی آسیب می‌رساند و رشد اقتصادی را محدود می‌کند.

تغییرات اقلیمی؛ یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی در جهان محسوب می‌شود، اما اثرات آن در مناطق خشک و نیمه‌خشک مانند غرب آسیا به‌طور خاص برجسته است. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی، وابستگی زیاد به منابع آب محدود، و ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی، در برابر تغییرات اقلیمی بسیار آسیب‌پذیر است. از پیامدهای تغییرات اقلیمی می‌توان به مواردی چون؛ کاهش منابع آبی و بحران آب یکی از ملموس‌ترین پیامدهای تغییرات اقلیمی در غرب آسیا، کاهش منابع آبی است. افزایش دما و کاهش میزان بارندگی منجر به کاهش منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی شده است. کاهش حجم رودخانه‌های مهم منطقه، مانند دجله، فرات و کارون، موجب کاهش دسترسی به آب آشامیدنی و کشاورزی شده است (AI-

(Ansari, 2013:157) اشاره کرد. علاوه بر این، افزایش میزان تبخیر و کاهش میزان تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی باعث افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی شده که به نوبه خود امنیت آبی کشورهای منطقه را تهدید می‌کند. برای نمونه، در ایران و عراق، کاهش بارندگی و افزایش برداشت‌های غیرمجاز از منابع زیرزمینی، منجر به بحران‌های جدی آب شده است. در عربستان سعودی و امارات متحده عربی، دولت‌ها برای تأمین آب آشامیدنی مجبور به استفاده گسترده از فناوری‌های پرهزینه‌ای مانند شیرین‌سازی آب دریا شده‌اند که هزینه‌های اقتصادی سنگینی به همراه دارد (Gleick, 2014: 332). کاهش بارندگی و افزایش دما تأثیرات منفی بر تولیدات کشاورزی در غرب آسیا داشته است. بسیاری از زمین‌های کشاورزی در این منطقه به آب‌های سطحی و زیرزمینی وابسته هستند و کاهش دسترسی به آب، موجب کاهش تولید محصولات کشاورزی و در نتیجه افزایش وابستگی به واردات مواد غذایی شده است (Zhang et al., 2017: 45). برای مثال، در سوریه، کاهش میزان بارندگی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به خشکسالی شدیدی منجر شد که به مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها و در نهایت تشدید ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی کمک کرد (Gleick, 2014: 334). در کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز به دلیل شرایط اقلیمی نامساعد، تولیدات کشاورزی داخلی ناکافی بوده و وابستگی به واردات محصولات کشاورزی از دیگر مناطق جهان افزایش یافته است. افزایش دمای هوا و تشدید پدیده‌های حدی آب‌وهوایی یکی دیگر از اثرات تغییرات اقلیمی در غرب آسیا، افزایش دمای متوسط هوا و وقوع پدیده‌های حدی مانند موج‌های گرمایی شدید و توفان‌های گرد و غبار است. طبق داده‌های اقلیمی، متوسط دمای منطقه در دهه‌های اخیر به‌طور پیوسته افزایش یافته است (Safi & Khodagholi, 2019: 12). افزایش دما منجر به افزایش تبخیر سطحی و کاهش میزان رطوبت خاک شده که شرایط را برای گسترش بیابان‌زایی فراهم کرده است. همچنین، موج‌های گرمایی شدید به تهدیدی جدی برای سلامت عمومی تبدیل شده و میزان مرگ‌ومیر ناشی از گرما را افزایش داده است. در برخی کشورهای منطقه مانند ایران و عراق، دمای هوا در برخی روزهای تابستان به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد که باعث مشکلات عدیده‌ای در زیرساخت‌های شهری، مصرف انرژی و بهداشت عمومی می‌شود (Zhang et al., 2017: 50). تغییرات اقلیمی باعث دگرگونی‌های جدی در اکوسیستم‌های غرب آسیا شده است. افزایش دما و کاهش میزان بارندگی، زیستگاه‌های طبیعی را تهدید کرده و موجب کاهش تنوع زیستی شده است. بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری که در محیط‌های خشک و نیمه‌خشک زندگی می‌کنند، به دلیل تغییرات سریع در شرایط زیست‌محیطی با خطر انقراض مواجه شده‌اند (Safi & Khodagholi, 2019: 13). علاوه بر این، افزایش توفان‌های گرد و غبار که ناشی از بیابان‌زایی و کاهش پوشش گیاهی است، نه تنها سلامت انسان‌ها را به خطر انداخته، بلکه تعادل اکولوژیکی مناطق مختلف را نیز مختل کرده است. این مسئله به‌ویژه در ایران، عراق و عربستان سعودی، که در سال‌های اخیر شاهد افزایش شدید توفان‌های گرد و غبار بوده‌اند، محسوس است. پیامدهای اجتماعی و سیاسی تغییرات اقلیمی نه تنها اثرات زیست‌محیطی دارد، بلکه موجب بروز چالش‌های اجتماعی و سیاسی نیز شده است. کاهش منابع آبی و زمین‌های حاصلخیز موجب افزایش رقابت بر سر منابع شده و در برخی موارد منجر به درگیری‌های داخلی و بین‌المللی شده است (Gleick, 2014: 336). به عنوان نمونه، درگیری‌های اخیر در سوریه و عراق، تا حدی تحت تأثیر بحران آب و تغییرات اقلیمی قرار داشته است. کمبود آب و زمین‌های کشاورزی در سوریه موجب مهاجرت گسترده از مناطق روستایی به شهرها شد و این مسئله یکی از عوامل تشدید ناآرامی‌های اجتماعی در سال‌های قبل از جنگ داخلی سوریه محسوب می‌شود.

در سطح بین‌المللی، کاهش منابع آبی رودخانه‌هایی مانند دجله و فرات، موجب تنش‌های بین کشورهای منطقه شده است. ترکیه، که سرچشمه این رودخانه‌ها است، با احداث سد‌های متعدد، جریان آب به عراق و سوریه را کاهش داده و این مسئله موجب ایجاد اختلافات سیاسی و دیپلماتیک بین این کشورها شده است (Al-Ansari, 2013:160). تغییرات اقلیمی یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا محسوب می‌شود که اثرات گسترده‌ای بر منابع آبی، کشاورزی، اکوسیستم‌ها و وضعیت اجتماعی-سیاسی منطقه دارد. کاهش منابع آبی، افزایش دما، بیابان‌زایی، و افزایش توفان‌های گرد و غبار از جمله مهم‌ترین پیامدهای این تغییرات هستند. با توجه به وابستگی شدید منطقه به منابع طبیعی محدود، اتخاذ سیاست‌های مناسب

برای مدیریت منابع آبی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، و توسعه فناوری‌های پایدار، برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی ضروری است.

۳- نقش رژیم‌های بین‌المللی در همکاری‌های زیست‌محیطی

۳-۱- ظرفیت‌های بالقوه رژیم‌های بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های رژیم‌های زیست‌محیطی، تدوین و تقویت هنجارها و استانداردهای بین‌المللی برای حفاظت از محیط‌زیست است. این هنجارها چارچوب‌هایی حقوقی برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی ارائه می‌دهند که کشورهای منطقه می‌توانند بر اساس آن‌ها اقدامات منسجم‌تری انجام دهند. به‌عنوان نمونه، کنوانسیون سازمان ملل درباره مقابله با بیابان‌زایی (UNCCD) و پروتکل کیوتو نه تنها به مقابله با بیابان‌زایی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای پرداخته‌اند، بلکه کشورهای عضو را به تدوین برنامه‌های ملی و منطقه‌ای برای حل این بحران‌ها ملزم کرده‌اند. در حوزه مدیریت منابع آبی، کنوانسیون آبراه‌های فرامرزی سازمان ملل نمونه‌ای موفق از تلاش برای کاهش تنش‌های آبی میان کشورهای دارای منابع مشترک است. این کنوانسیون می‌تواند به‌ویژه در مورد رودخانه‌های دجله و فرات، که تنش‌های آبی شدیدی در میان کشورهای عراق، سوریه، و ترکیه ایجاد کرده‌اند، چارچوب‌هایی حقوقی و فنی ارائه دهد که امکان مدیریت پایدار این منابع را فراهم سازد (Wolf, 1998:253). تقویت همکاری‌های منطقه‌ای از طریق سازوکارهای بین‌المللی نقش مؤثری در حل بحران‌های زیست‌محیطی غرب آسیا دارد؛ از این رو، رژیم‌های زیست‌محیطی بین‌المللی می‌توانند نقش واسطه‌ای برای تسهیل گفتگو و همکاری میان کشورهای منطقه ایفا کنند. برای مثال، کنوانسیون تنوع زیستی (CBD) با ابزارهایی مانند گزارش دهی ملی و ارزیابی تنوع زیستی، بستری برای تبادل اطلاعات و تجارب میان کشورهای غرب آسیا فراهم کرده است. این رژیم‌ها با ارائه داده‌های علمی به‌روز و ابزارهای نظارتی، به کشورها کمک می‌کنند وضعیت تنوع زیستی خود را پایش کرده و راهکارهایی برای حفظ آن ارائه دهند (CBD, 2020:45). درعین حال، رژیم‌های بین‌المللی می‌توانند کشورهای منطقه را به ایجاد سازوکارهای همکاری منطقه‌ای، نظیر توافقنامه‌های زیست‌محیطی دوجانبه یا چندجانبه، تشویق کنند. این همکاری‌ها می‌توانند زمینه‌های مشترک برای مدیریت منابع طبیعی و کاهش بحران‌ها ایجاد کنند.

یکی از مهم‌ترین موانع کشورهای غرب آسیا برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی، کمبود منابع مالی و فناوری‌های پیشرفته است. در این زمینه، رژیم‌های بین‌المللی مانند صندوق محیط‌زیست جهانی (GEF) می‌توانند منابع مالی لازم برای اجرای پروژه‌های محیط زیستی را تأمین کنند. این صندوق تاکنون از پروژه‌های متعددی در غرب آسیا حمایت کرده است که بر موضوعاتی مانند احیای زمین‌های تخریب‌شده، حفاظت از تنوع زیستی، و کاهش آثار تغییرات اقلیمی تمرکز داشته‌اند. این حمایت‌ها نه تنها از نظر مالی، بلکه در انتقال فناوری‌های نوین نیز تأثیرگذار بوده‌اند (GEF, 2019:78).

رژیم‌های زیست‌محیطی بین‌المللی با اجرای برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی می‌توانند به تقویت توانمندی‌های مدیریتی و علمی کشورهای غرب آسیا کمک کنند. برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP) از جمله نهادهایی است که نقش مؤثری در انتقال دانش و فناوری‌های جدید به کشورهای منطقه ایفا کرده است. این برنامه از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، انتشار گزارش‌های تخصصی، و اجرای پروژه‌های منطقه‌ای، به تربیت نیروهای متخصص و ارتقای دانش زیست‌محیطی در کشورهای غرب آسیا کمک کرده است. به‌عنوان مثال، در حوزه مدیریت منابع آب، برنامه‌های UNEP موجب بهبود سیستم‌های پایش و ارزیابی منابع آبی در برخی کشورهای منطقه شده است (UNEP, 2021:123).

یکی از چالش‌های مهم زیست‌محیطی در غرب آسیا، تنش‌های ناشی از منابع طبیعی مشترک است. بسیاری از منابع آبی، تالاب‌ها و اکوسیستم‌های این منطقه میان چند کشور مشترک هستند که این مسئله به افزایش رقابت و حتی منازعات منطقه‌ای منجر شده است. رژیم‌های بین‌المللی می‌توانند از طریق ارائه مکانیسم‌های حل اختلاف، کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌ها، به مدیریت این منابع کمک کنند. برای نمونه، کنوانسیون رامسر درباره تالاب‌های بین‌المللی توانسته است نقش مهمی در حفاظت

از تالاب‌های مشترک نظیر تالاب هورالعظیم ایفا کند. این کنوانسیون با ارائه ابزارهایی مانند پایش مشترک، گزارش دهی و تسهیل گفتگو میان کشورها، به کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های زیست‌محیطی میان ایران و عراق کمک کرده است (Ramsar Convention, 2018:66).

۳-۲- تحلیل و ارزیابی نقش کنوانسیون‌ها

رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، و قواعدی که رفتار بازیگران بین‌المللی را در یک حوزه خاص تنظیم می‌کنند، نقشی حیاتی در حل چالش‌های زیست‌محیطی ایفا می‌کنند. با توجه به ویژگی‌های فراملی بحران‌های زیست‌محیطی، همکاری‌های بین‌المللی از طریق رژیم‌های زیست‌محیطی، ابزاری ضروری برای مقابله با این مسائل هستند. رژیم‌های موفق و ناموفق نشان می‌دهند که طراحی، پایداری و اجرای صحیح این معاهدات، عامل تعیین‌کننده در موفقیت آن‌ها است (Young, 1989: 28).

موارد موفق در همکاری‌های بین‌المللی؛ توافق پاریس (۲۰۱۵)؛ توافق پاریس یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های همکاری موفق بین‌المللی در زمینه تغییرات اقلیمی است که باهدف محدود کردن افزایش دمای جهانی به زیر ۲ درجه سانتی‌گراد در مقایسه با سطح پیش از صنعتی شدن، طراحی شده است (Bodansky, 2016: 146). توافق پاریس از طریق سیستم مشارکت‌های ملی تعیین‌شده (NDCs) به کشورها اجازه می‌دهد که بر اساس شرایط داخلی خود، اهداف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را تعیین کنند (Bodansky, 2016:147). تعهدات جمعی و شفافیت در این توافق مکانیزم گزارش دهی و نظارت منظم، شفافیت و پاسخگویی کشورها را تقویت کرده است (UNFCCC, 2018: 10). همچنین مشارکت گسترده و مشارکت بیش از ۱۹۰ کشور در این توافق‌نامه نشان‌دهنده اجماع جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی است. اما باوجود چالش‌ها، توافق پاریس به افزایش آگاهی جهانی و تشویق به تغییر سیاست‌های اقلیمی در سطح ملی کمک کرده است. برای مثال، اتحادیه اروپا و چین اقدامات گسترده‌ای برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی انجام داده‌اند.

کنوانسیون رامسر (۱۹۷۱)؛ کنوانسیون رامسر یکی دیگر از نمونه‌های موفق رژیم‌های زیست‌محیطی است که باهدف حفاظت و استفاده پایدار از تالاب‌ها به‌عنوان زیستگاه‌های کلیدی جهانی طراحی شده است (Matthews, 2013: 105). ویژگی‌های موفقیت کنوانسیون رامسر را می‌توان در تمرکز بر مناطق خاص با شناسایی و ثبت تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی، اقدامات حفاظتی مؤثری دانست. آگاهی‌بخشی جهانی کنوانسیون رامسر توانسته است اهمیت تالاب‌ها را در سطوح ملی و بین‌المللی برجسته کند. بیش از ۲,۴۰۰ سایت در سراسر جهان، با مساحتی بالغ بر ۲۵۰ میلیون هکتار، تحت حفاظت کنوانسیون رامسر قرار گرفته‌اند (Ramsar Convention Secretariat, 2021:5). در ایران، تالاب انزلی و میانکاله از نمونه‌های تحت پوشش این کنوانسیون هستند.

موارد ناموفق در همکاری‌های بین‌المللی؛ پروتکل کیوتو (۱۹۹۷)؛ پروتکل کیوتو به‌عنوان یکی از اولین تلاش‌های جهانی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، با چالش‌های جدی در اجرا مواجه شد. از دلایل ناکامی این همکاری به عدم مشارکت گسترده ایالات متحده، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای، از این پروتکل خارج شد و برخی کشورهای درحال توسعه مانند چین و هند نیز تعهدات جدی نداشتند (Victor, 2001: 93) می‌توان اشاره کرد. همچنین مشکلات اجرایی و نبود مکانیزم‌های ضمانت اجرا و نظارت قوی، این پروتکل را ناکارآمد کرد. پروتکل کیوتو نتوانست کاهش قابل توجهی در انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد کند و درنهایت با توافق پاریس جایگزین شد. معاهده بیابان‌زدایی (UNCCD)؛ معاهده مقابله با بیابان‌زایی (۱۹۹۴) به‌منظور مقابله با تخریب اراضی در مناطق خشک و نیمه‌خشک طراحی شد، اما در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو شد (UNCCD, 2017:22). از دلایل ناکامی این معاهده کمبود منابع مالی بسیاری از کشورهای عضو بوده است که نتوانستند بودجه کافی برای اجرای پروژه‌های بیابان‌زدایی اختصاص دهند. همچنین عدم هماهنگی منطقه‌ای و منازعات

سیاسی در مناطق تحت تأثیر، از جمله در آفریقا و غرب آسیا، مانع از اجرای مؤثر این معاهده شد. با وجود تلاش‌های این معاهده، روند تخریب اراضی همچنان ادامه دارد و اثرات منفی آن به‌ویژه در مناطق خشک مانند غرب آسیا و آفریقا قابل مشاهده است. عوامل مؤثر بر موفقیت یا ناکامی رژیم‌های بین‌المللی؛ رژیم‌هایی مانند توافق پاریس که انعطاف‌پذیری بیشتری در طراحی دارند، موفق‌تر هستند، در حالی که معاهداتی با رویکرد سخت‌گیرانه نظیر پروتکل کیوتو، در جذب مشارکت جهانی با مشکل مواجه می‌شوند (Young, 1989: 29). وجود مکانیزم‌های شفافیت و گزارش دهی در توافق پاریس، به ایجاد اعتماد و تعهد میان کشورها کمک کرده است، در حالی که نبود چنین مکانیزم‌هایی در معاهده بیابان‌زدایی، باعث ناکامی آن شده است. رژیم‌هایی که دسترسی به منابع مالی و فناوری‌های پیشرفته را برای کشورهای در حال توسعه تسهیل می‌کنند، مانند صندوق سبز اقلیمی توافق پاریس، تأثیر بیشتری در اجرا داشته‌اند (UNFCCC, 2018: 15).

رژیم‌های بین‌المللی ابزارهای مؤثری برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی هستند، اما موفقیت آن‌ها به عوامل متعددی از جمله طراحی مناسب، مشارکت گسترده، و وجود مکانیزم‌های اجرایی وابسته است. بررسی موارد موفق و ناموفق نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری و تعهدات واقعی، نقش مهمی در اثربخشی این رژیم‌ها دارند.

چالش‌ها و محدودیت‌ها؛ رژیم‌های بین‌المللی در همکاری‌های زیست‌محیطی نقش مهمی در هماهنگی و مدیریت تلاش‌های جهانی دارند. با این حال، این رژیم‌ها با چالش‌ها و محدودیت‌های مختلفی روبرو هستند که می‌تواند اجرای سیاست‌ها و تعهدات زیست‌محیطی را در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه در غرب آسیا، تحت تأثیر قرار دهد. یکی از اساسی‌ترین موانع همکاری زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی، فقدان اعتماد میان دولت‌ها است. این موضوع زمانی پررنگ‌تر می‌شود که کشورها درگیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی یا تضاد منافع اقتصادی و سیاسی هستند. در منطقه غرب آسیا، رقابت‌های سیاسی میان ایران، عربستان سعودی و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس نمونه بارزی از این بی‌اعتمادی است. برای مثال، با وجود چالش‌های مشترک زیست‌محیطی مانند کمبود منابع آبی و بیابان‌زایی، کشورهای این منطقه تاکنون نتوانسته‌اند یک چارچوب همکاری مؤثر زیست‌محیطی ایجاد کنند. از سوی دیگر، نبود شفافیت در اجرای توافقات و نگرانی از نقض تعهدات توسط طرف‌های دیگر، کشورهای منطقه را از ورود به تعهدات بلندمدت زیست‌محیطی باز می‌دارد. به عنوان نمونه، تنش‌های سیاسی میان ایران و کشورهای غربی بر تعهدات زیست‌محیطی ایران، مانند کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تحت توافق نامه پاریس، تأثیرگذار بوده است (Najam et al., 2003: 227).

دسترسی به منابع مالی و فناوری‌های پیشرفته یکی از چالش‌های کلیدی برای کشورهای در حال توسعه است. در غرب آسیا، بسیاری از کشورها به دلیل مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها قادر به اجرای پروژه‌های بزرگ زیست‌محیطی نیستند. برای مثال، ایران با وجود مشکلات زیست‌محیطی شدید، از جمله بحران آب و آلودگی هوا، به دلیل تحریم‌های اقتصادی با محدودیت‌های جدی در جذب سرمایه‌گذاری و فناوری‌های پیشرفته برای مدیریت این بحران‌ها مواجه است (Victor, 2011: 91). در مقابل، کشورهای ثروتمند منطقه مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در پروژه‌های سبز انجام داده‌اند، اما این پروژه‌ها بیشتر جنبه نمایشی داشته و برای رفع مشکلات زیست‌محیطی منطقه‌ای کافی نیستند. عدم تمایل کشورهای توسعه‌یافته برای انتقال فناوری‌های پیشرفته به کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز این مشکل را تشدید می‌کند. سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به شدت تحت تأثیر مسائل ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرند. در غرب آسیا، تنش‌های سیاسی و جنگ‌های منطقه‌ای از جمله جنگ یمن، بحران سوریه و مناقشه فلسطین و اسرائیل، باعث شده مسائل زیست‌محیطی به اولویت‌های ثانویه تبدیل شوند. برای مثال، در جنگ یمن، زیرساخت‌های زیست‌محیطی و منابع طبیعی به شدت آسیب‌دیده‌اند، اما همکاری منطقه‌ای برای کاهش این آسیب‌ها وجود ندارد. همچنین، منافع ژئوپلیتیکی کشورهای خارجی در منطقه غرب آسیا، مانند رقابت میان ایالات متحده، چین و روسیه، بر سیاست‌های زیست‌محیطی تأثیر منفی گذاشته است. این کشورها اغلب به جای تشویق همکاری‌های زیست‌محیطی، بر تأمین منافع استراتژیک خود تمرکز می‌کنند (Young, 2008: 135). یکی از چالش‌های زیست‌محیطی عمده در این منطقه بحران خشک شدن دریاچه ارومیه در ایران است. این بحران نه تنها به دلیل

مدیریت ضعیف داخلی، بلکه به دلیل عدم وجود همکاری‌های منطقه‌ای مؤثر برای مدیریت منابع آبی تشدید شده است. کشورهای همسایه، مانند ترکیه و عراق، که بر منابع آبی مشترک تأثیر دارند، تاکنون همکاری قابل توجهی برای مدیریت این بحران نداشته‌اند.

جدول (۱) نقش رژیم‌های بین‌المللی در همکاری‌های زیست‌محیطی

منبع: نگارندگان

موضوع	موارد موفق	موارد ناموفق	عوامل مؤثر بر موفقیت یا ناکامی	چالش‌ها و محدودیت‌ها
موفقیت در همکاری‌های زیست‌محیطی	توافق‌نامه حفاظت از منابع آب میان کشورهای ترکیه، ایران، عراق	شکست در مدیریت منابع آب فرامرزی (دجله و فرات) کمبود تعهد عملی به توافقاتی	وجود اراده سیاسی میان کشورها حمایت مالی و فنی از سازمان‌های بین‌المللی تقویت نهادهای منطقه‌ای	تعارضات سیاسی و امنیتی میان کشورها کمبود ظرفیت نهادهایی برای اجرای تعهدات ضعف اقتصادی کشورها در تأمین منابع مالی
نقش رژیم‌های بین‌المللی	تسهیل مذاکرات و تدوین چارچوب‌های قانونی برای همکاری‌ها ارائه کمک‌های مالی و فنی توسط نهادهایی مثل UNEP	ناکامی در الزام کشورهای عضو به رعایت توافقات عدم برخورد با کشورهای که به تعهدات عمل نمی‌کنند	حضور و مشارکت نهادهای بین‌المللی در طرح‌ها شفافیت و گزارش دهی منظم	اولویت پایین مسائل زیست‌محیطی نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی عدم هماهنگی میان کشورهای منطقه
چالش‌ها و محدودیت‌ها	تشکیل کنفرانس‌های منطقه‌ای برای افزایش آگاهی و توانمندسازی	عدم اجرای کامل پروتکل‌های زیست‌محیطی	تقویت دیپلماسی محیط زیستی و کاهش تنش‌های سیاسی	تغییرات اقلیمی شدید در منطقه مشکلات ساختاری مانند ضعف زیرساخت‌های محیط زیستی در کشورهای عضو

۴- نتیجه

غرب آسیا با چالش‌های پیچیده زیست‌محیطی مانند بیابان‌زایی، کمبود منابع آبی، تغییرات اقلیمی و آلودگی هوا روبه‌رو است که به دلیل عوامل اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی شدت یافته‌اند. بحران‌هایی مانند خشک شدن دریاچه ارومیه، کمبود آب در کشورهای حوضه دجله و فرات و تخریب اکوسیستم‌ها، ماهیتی فرامرزی دارند و مستلزم همکاری‌های منطقه‌ای هستند. این چالش‌ها در شرایطی که تنش‌های سیاسی و اقتصادی اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی را برای کشورهای منطقه دشوار کرده، پیچیده‌تر شده‌اند. عدم هماهنگی میان دولت‌ها، منافع متضاد و نبود نهادهای منطقه‌ای قوی، بر شدت بحران افزوده و راهکارهای ملی را ناکارآمد ساخته است.

بر اساس تحلیل‌های ارائه‌شده، نهادگرایی نو لیبرال می‌تواند به عنوان چارچوبی مؤثر برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا به کار گرفته شود. نهادهای بین‌المللی و رژیم‌های زیست‌محیطی می‌توانند از طریق ایجاد سازوکارهای همکاری

چندجانبه، کاهش هزینه‌های تعامل، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد میان کشورهای منطقه، به بهبود وضعیت زیست‌محیطی کمک کنند. همچنین، این نهادها از طریق تأمین منابع مالی، تسهیل انتقال فناوری‌های نوین، ارائه اطلاعات علمی معتبر و نظارت بر اجرای تعهدات زیست‌محیطی، می‌توانند زمینه اجرای سیاست‌های مؤثرتر را فراهم کنند. با این حال، موفقیت این راهکار مستلزم افزایش تعهد دولت‌های منطقه به همکاری‌های چندجانبه، کاهش تنش‌های سیاسی و تقویت نهادهای منطقه‌ای برای مدیریت مسائل زیست‌محیطی است. در صورتی که کشورهای غرب آسیا بتوانند همکاری‌های نهادی و فراملی را در اولویت قرار دهند و تعهد بیشتری به توافقات زیست‌محیطی داشته باشند، می‌توان انتظار داشت که بحران‌های زیست‌محیطی منطقه تا حد زیادی مدیریت‌شده و مسیر توسعه پایدار هموارتر شود.

منابع

- آریا، میثم (۲۰۱۹). چالش‌ها و فرصت‌های همکاری‌های زیست‌محیطی در غرب آسیا: یک رویکرد نهادگرایانه. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۱۲(۴): ۸۸-۱۰۵.
- رحمانی، س. (۱۳۹۷). بیابان‌زایی و اثرات آن بر امنیت غذایی در خاورمیانه. *مرکز پژوهش‌های زیست‌محیطی*، گزارش شماره ۴۲.
- سجادی، ع. و همکاران. (۱۴۰۰). مدیریت پایدار منابع طبیعی در غرب آسیا: راهکارها و چالش‌ها. *مجله محیط زیست و توسعه پایدار*، ۱۲(۲)، ۸۰-۹۵.
- صبوری، ناصر و تیموری، فرزاد (۲۰۱۸). تحلیل تعاملات بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی: مطالعه‌ای بر بحران‌های محیط‌زیستی غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی محیط‌زیست*، ۱۱(۱): ۲۷-۴۰.
- فتحی، م. (۱۳۹۸). «بررسی اثرات بیابان‌زایی در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران». انتشارات دانشگاه تهران.
- رئیس‌دهکردی، م. (۱۴۰۰). تشریح انواع آلودگی‌ها در منابع آبی و حفاظت از منابع آب. *نشریه ملی مهندسی عمران و محیط زیست*، ۱۱(۱)، ۵۰-۶۵. https://www.jnace.ir/article_154373.html
- عسکری‌بزایه، م. و همکاران. (۱۳۹۹). تحلیلی بر وضعیت و زمینه‌های بحران محیطی در غرب آسیا. *فصلنامه محیط راهبردی*، ۴(۱۱)، ۱۵۸-۱۷۰. https://jse.sndu.ac.ir/article_2147.html
- عسگری، احمد و کریمی، محمد (۲۰۱۷). نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۳(۲): ۴۵-۶۰.
- عزیزی، علی (۲۰۲۰). «رژیم‌های زیست‌محیطی و چالش‌های مدیریت منابع آبی در غرب آسیا». تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معدنی، ج. (۱۳۹۵). بحران‌های زیست‌محیطی جنوب غرب آسیا با تأکید بر بحران آب. اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام. <https://civilica.com/doc/584338> بازبایی شده از

- Axelrod, R., & Keohane, R. O. (1985). Achieving cooperation under anarchy: Strategies and institutions. *World Politics*, 38(1), 226-254.
- Al-Ansari, N. (2013). Management of Water Resources in Iraq: Perspectives and Prognoses. *Engineering*, 5(8), 667-684.
- Bodansky, D. (2010). The Copenhagen climate change conference: A postmortem. *American Journal of International Law*, 104(2), 230-240.
- Bodansky, D. (2016). The Paris climate change agreement: A new hope? *American Journal of International Law*, 110(2), 288-319.
- CBD. (2020). *Global Biodiversity Outlook 5*. Convention on Biological Diversity.

- GEF. (2019). *Impact Evaluation of GEF Support in Fragile and Conflict-Affected Situations*. Global Environment Facility.
- Gleick, P. H. (2014). Water, Drought, Climate Change, and Conflict in Syria. *Weather, Climate, and Society*, 6(3), 331-3
- IPCC. (2022). Sixth Assessment Report. Intergovernmental Panel on Climate Change.
- Keohane, R. O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2001). *Power and Interdependence*. Longman Princeton University Press.
- Matthews, G. V. T. (2013). The Ramsar Convention on Wetlands: Its History and Development. Ramsar Convention Secretariat.
- Najam, A., Papa, M., & Taiyab, N. (2003). Global Environmental Governance: A Reform Agenda. *International Institute for Sustainable Development*.
- Ramsar Convention. (2018). The Ramsar List of Wetlands of International Importance. Ramsar Secretariat.
- Ramsar Convention Secretariat. (2021). The List of Wetlands of International Importance.
- Safi, K., & Khodaghali, F. (2019). Climate change and biodiversity conservation in Middle East: A systematic review of the literature. *Journal of Arid Environments*, 167, 1-13.
- UNEP. (2018). *West Asia regional assessment*. United Nations Environment Programme.
- UNCCD. (2017). *Global Land Outlook*. United Nations Convention to Combat Desertification.
- UNEP. (2018). *West Asia regional assessment*. United Nations Environment Programme.
- UNCCD. (2018). The Global Land Outlook. United Nations Convention to Combat Desertification.
- UNFCCC. (2018). *Paris Agreement: Essential Elements*. United Nations Framework Convention on Climate Change.
- UNEP. (2021). *Global Environmental Outlook 6*. United Nations Environment Programme.
- UNEP (2021). *The State of the Environment in the Middle East: Challenges and Opportunities*. United Nations Environment Programme.
- Victor, D. G. (2011). *Global Warming Gridlock: Creating More Effective Strategies for Protecting the Planet*. Cambridge University Press.
- Victor, D. G. (2001). *The collapse of the Kyoto Protocol and the struggle to slow global warming*. Princeton University Press.
- World Bank. (2016). *Air Pollution in MENA: Causes, Costs, and Solutions*. World Bank Publications.
- Wolf, A. T. (1998). Conflict and cooperation along international waterways. *Water Policy*, 1(2), 251-265.
- Young, O. R. (1989). *International Cooperation: Building Regimes for Natural Resources and the Environment*. Cornell University Press.
- Young, O. R. (2008). *Institutions and Environmental Change: Principal Findings, Applications, and Research Frontiers*. MIT Press.
- Zawahri, N. A. (2008). Designing river commissions in the developing world: An analysis of treaty design on the Ganges and Nile Rivers. *International Negotiation*, 13(3), 343-370.
- Zawahri, N., (2008). "Water Conflict and Cooperation in the Middle East: A Case Study of the Tigris-Euphrates Basin." *Middle East Policy*, 15(1), 354-368.

Zhang, P., Zhang, J., & Chen, M. (2017). Economic impacts of climate change on agriculture: The importance of additional climatic variables other than temperature and precipitation. *Journal of Environmental Economics and Management*, 83, 8-31.

